

آسیب‌شناسی تاریخی - اجتماعی کار در ایران

مهدی عباسی*

تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۱۶

چکیده

کهن قاره آسیا به‌ویژه خاورمیانه و ایران از نخستین جوامع تولیدکننده جهان بوده‌اند و به همین نسبت دارای فرهنگ تولیدی و بخشی از آن فرهنگ کار پیچیده بوده‌اند. اما باوجود چنین به نمایش گذاردن پیوسته تجدید حیات مناسبات اقتصادی و اجتماعی، در دوران معاصر این وضعیت با رکود شگفت‌آوری مواجه شده است. این وضعیت رکود در آثار نویسندگان ایرانی با تعبیر متفاوت و از منظرهای گوناگون صورت‌بندی و بازنمایی شده است که این امر حاکی از اهمیت داشتن این مسئله و ضرورت توجه به شناخت زمینه و بسترهای گوناگون نضح این وضعیت می‌باشد.

در مقاله حاضر که مبتنی بر تحقیق کیفی است با استفاده از مصاحبه با برخی از استادان علوم اجتماعی به بررسی زمینه‌های اجتماعی-تاریخی شکل‌گیری این وضعیت رکود البته با تأکید بر دو عنصر «کار و تولید» پرداخته شده است. نتایج حاصل از بررسی‌های کیفی نشان می‌دهد که زمینه‌های

شکل‌گیری چنین وضعیت رکودی، خصلتی درونی و هم بیرونی دارد. زمینه‌های درونی شامل زیست‌بوم، ترویج ارزش‌های نامولد و در آخر به‌عنوان اساسی‌ترین زمینه داخلی در وقوع این مسئله، ساختارهای مصرفی می‌باشد، که وظیفه مهیا نمودن شرایط نرم‌افزاری و سخت‌افزاری هرگونه کنش و سلوک افراد جامعه را بر عهده دارد. اما زمینه‌های بیرونی این مسئله را می‌توانیم متأثر از مقوله روابط سلطه بگنجانیم، عاملی مهم که با تأثیر گذاشتن در عناصر ساحت درونی به‌خصوص مقوله ساختارهای مصرفی، نقش بی‌بدیل خود را در این میان به نمایش گذاشته است.

واژه‌های کلیدی: کار، رکود، زیست‌بوم، ارزش‌های نامولد، ساختارهای

مصرفی، روابط سلطه

مقدمه و بیان مسئله

از آغاز تاریخ زندگی بشر بر روی کره خاکی، انسان همواره خود را نیازمند انجام اموری برای بقا خود دیده است که به‌ناچار مجبور بوده تا از طریق تلاش و فعالیت‌هایی، آن‌ها را مرتفع نماید. آثار کشف‌شده توسط باستان‌شناسان از ادوار و تمدن‌های گذشته حکایت از آن دارند که انسان‌ها برای بقا، ابزارآلاتی را طراحی و ساخته‌اند تا از طریق آن‌ها بتوانند، زندگی خود را امکان‌پذیر سازند و بر موانع طبیعی غلبه یابند. (سپهری، ۱۳۷۶: ۱۹). باگذشت زمان، این ابزارآلات ساختی پیچیده‌تر یافته‌اند و این‌ها همه حکایت از تلاش بشر برای زندگی و رفاه بهتر دارند، چراکه بشر اولیه به این ادراک رسیده بود که طبیعت به میزان محدودی، زندگی انسان را تأمین می‌کند و برای زندگی بهتر می‌بایست طبیعت موجود را تغییر شکل دهد تا از این طریق موادی را که برای زندگی لازم است، به دست آورد (فورااستیه، ۱۳۵۵: ۳۷).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که کارمولد، بنیادی‌ترین عنصر در ایجاد و شکل‌گیری تمدن‌های بشری بوده است و آدمی با گذراندن تحولی بسیار آرام و

درعین حال طولانی و همچنین داشتن فرهنگ تولیدی و بخشی از آن فرهنگ کار پیچیده؛ توانسته تمدن‌هایی این‌چنین شگفت و عظیم را به وجود بیاورد. از این‌رو بدیهی به نظر می‌رسد که می‌بایستی هر پیشرفت و حرکت روبه‌جلوی ملت‌ها را مرهون تلاش و کوشش‌های مجدانه و آگاهانه مردمان آن دیار در نظر گرفت.

کهن قاره آسیا به‌ویژه خاورمیانه و ایران از نخستین جوامع تولیدکننده جهان و به همین نسبت دارای فرهنگ تولیدی و بخشی از آن فرهنگ کار پیچیده و پر ژرفا و کارآمد بوده‌اند (ن.ک راوندی، ۱۳۸۶؛ فرهادی a، ۱۳۹۰؛ وطن‌خواه، ۱۳۸۰). در فرهنگ سنتی این سرزمین، کار هم به دلایل دینی و مذهبی و مسلکی (طریقتی) و تفکرات صنفی و هم به دلایل ماهیت و خصلت اجرایی (دسته‌جمعی و تعاونی) آن، معنادار و روح‌بخش بوده است (فرهادی a:7). در فرهنگ و اساطیر ایرانی، بین اغلب کارها و اختراعات بنیادی و پادشاهان بزرگ و اسطوره‌ای پیوندی عمیق برقرار بوده است. این پیوند و تکرار و بازتولید آن در طی قرن‌ها تداعی‌های ناخودآگاهانه‌ای را در ذهن ایرانیان پایه‌ریزی کرده است که با زندگی و فرهنگ و فره ایزدی پیوند خورده است. پس از اسلام بر پایه اصل همربایی قطب‌های همنام ترجمان این اساطیر با همان کارکرد اما با قرائتی نوین و قدرتمند در آیین جدید و اسطوره‌های دینی و مذهبی و طریقتی نوین بازتولید شده است (ن.ک فرهادی c و b، ۱۳۹۰؛ مصباح، ۱۳۷۴؛ صرامی، ۱۳۸۰).

همان‌طور که مشاهده می‌شود، ایرانیان در درازنای تاریخ و پیش‌ازتاریخ خود در عمل ثابت کرده‌اند که اهل کار و پیکار و کوشندگی بوده‌اند و این سرزمین یکی از نخستین مراکز شروع کشاورزی و یکجانشینی و دامداری بوده است. مهم‌ترین "بند جان آدمی" از غلات یعنی "گندم" و تخس و تخش‌ترین دام جهان یعنی "بز" در دوران بربریت میانه، در ایران اهلی شده است. زندگی در سرزمینی با کویرهای سخت، خشک و بی‌آب‌و‌علف و کوهستان‌های سرسخت و کم‌خاک، موجب فنون، هنرها،

صنایع و ابزارآلات و شیوه‌های گوناگون آبیاری و همیاری بوده است؛^۱ ابداع شگفت‌انگیز سیستم حفر قنوات یا کهریز و استخراج آب‌های زیرزمینی و فنون و علوم همراه آن همچون فنون "آبیایی"، "زمان‌بندی" و "مساحی" و ... که همگی در سایه کار جمعی ایرانیان امکان‌پذیر بوده است، نشانگر توجه جدی ایرانیان به کار و تلاش فزاینده بوده است.^۲ (ن.ک گوبلو: ۱۳۷۱، صفی نژاد: ۱۳۵۹ و ۱۳۶۸، رضا: ۱۳۵۰ و فرهادی a، ۱۳۹۰). با این تفاسیر آیا شگفت‌آور نیست که این جامعه که پیوسته تجدید حیات مناسبات اقتصادی و اجتماعی سنتی خود را به نمایش گذارده، تصویری از حالت رکودی را ارائه نموده؟

این وضعیت رکود که در آثار نویسندگان ایرانی با ادبیات گوناگون و از منظرهای گوناگون با تعبیری مانند؛ «ما چگونه ما شدیم»، «چرا صنعتی نشدیم»، «مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران»، «موانع تاریخی توسعه‌نیافتگی در ایران»، «چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت»، «تنبلی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، «فردگرایی ایرانی و توسعه‌نیافتگی» و عناوین بسیار دیگر که ذکرشان از حوصله بحث خارج است، صورت‌بندی شده است حکایت از اساسی و درعین‌حال مهم بودن این مسئله در تاریخ

۱- ساختارهای همکاری جمعی و تعاونی دهقانان و روستاییان ایرانی چون «واره»، «بُنه» و نیز سایر اشکال سازماندهی شده و ساخت‌یافته و کارآمد دیگر در زمینه دامداری که از آن جمله‌اند: تعاونی‌های دامداران رمه گردان غیر عشایری بانام‌های «مختابادی» در خراسان (نک به: پاپلی‌یزدی، ۱۳۷۷: ۲۴ ب)، «بلوک» و «ورهمکاری» در پشت بسطام شاهرود (نک به: بارانی، ۱۳۸۲: ۱۱۹-۲۱۲)، نظام‌های کردی و گالشی در میان گاوداران استان‌های شمالی ایران (پورکریم، ۱۳۴۹: ۵۱ و افراخته، ۱۳۷۴: ۷)، سازمان‌های تعاونی گاو‌میش داری (بیهقی، ۱۳۶۵: ۳۵۸ ب) و «مال» بانام‌های گوناگون، به عنوان کوچک‌ترین واحد تعاونی سنتی عشایری (نک به: فرهادی، ۱۳۸۱: ۱۴۹ ب) و همچنین سازمان‌های نیمه‌رسمی همچون اصناف (ن.ک فرهادی، ۱۳۹۰؛ کاشفی، ۱۳۵۰؛ گولپینازلی، ۱۳۷۹؛ افشاری: ۱۳۸۲) همگی گواهی است بر تخشایی و دگریاری ایرانیان.

۲- با وجود چنین شواهد تاریخی بسیار در خصوص وجود وجوه بسیار انواع همیاری و همکاری در میان ایرانیان، برخی از مستشرقین و نویسندگان وطنی، سراسر، چنین ویژگی‌ای را در تاریخ ایران، باطل می‌دانند و ایرانیان را بسان افرادی اصالتاً خودبین، تک‌زی، فاقد اخلاق اجتماعی و خودخواه قلمداد می‌نمایند (ن.ک ویتفوگل: ۱۳۹۲ و بازرگان: ۱۳۴۳).

اجتماعی ایران دارد که باعث شده، پژوهندگان کثیری، ریشه‌ها و زمینه‌های این مسئله را به گونه‌های متفاوت ارزیابی و فرموله نمایند. با بررسی این آثار می‌توان این صورت‌بندی‌ها را در دودسته کلان نگر و خردنگر، جای داد. در دسته اول ساختارهای اقتصادی، سیاسی و مکانیزم‌های فراملی همچون استعمار، استثمار و...، به‌عنوان عوامل اصلی ایجاد چنین وضعیتی معرفی شده‌اند اما در دسته دوم، عناصر شخصیتی و خلیات منفی ایرانیان را در ایجاد این مسئله، مهم تلقی نموده‌اند.

در این پژوهش سعی شده جهت بررسی زمینه‌های اجتماعی - تاریخی شکل‌گیری این وضعیت، البته با تأکید بر دو عنصر «کار و تولید» - به‌عنوان بازوان اصلی هر جهش و حرکت - و با استعانت و بهره‌گیری از نظریات و آراء استادان علوم اجتماعی که در حوزه‌هایی از قبیل جامعه‌شناسی کار، فرهنگ، سیاسی، تاریخ اجتماعی ایران، بررسی مسائل اجتماعی و روان‌شناسی اجتماعی، تخصص دارند، به‌صورت‌بندی دیگری از این پدیده نائل آئیم. البته لازم به تذکر است که مسئله شناسی این کار از جنس مباحث شرق‌شناسانه نبوده بدین منظور که مسئله شدن این موضوع برای ما در مواجهه با غرب نبوده بلکه ما با بررسی و تتبع در تاریخ این سرزمین و با یک نگاه پیوستاری و مقایسه‌ای و برانداز نمودن وضعیت کوشندگی بین حال و گذشته مردمان این خاک به مسئله بودن آن پی برده و از این‌رو اقدام به این کار نمودیم. همچنین با توجه به اهمیت موضوع و نیز توجه به این نکته که مشکلات و مسائل اجتماعی خصلتی خطی و تک‌بعدی ندارند، ضروری می‌دانیم که جهت آشکار شدن کامل موضوع از منظر سایر علوم انسانی و اجتماعی نیز؛ همچون اقتصاد، سیاست، تاریخ، مردم‌شناسی، توسعه و... این موضوع مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد تا از این رهگذر بتوان مکانیسم‌های پدیدار شدن این مسئله را، شناسایی و سپس در گام بعدی در جهت رفع آن حرکت نماییم.

پیشینه تحقیق

این بخش به معرفی و بررسی پژوهش‌ها و مطالعاتی می‌پردازد که در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر یعنی موضوع «آسیب‌شناسی وضعیت کار در ایران»، انجام پذیرفته‌اند. دکتر مرتضی فرهادی در مقاله‌ای با عنوان «صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن؟ - آسیب‌شناسی روند توسعه پایدار در ایران» (۱۳۹۱) به آسیب‌شناسی موانع توسعه از منظر فرهنگ کار و تولید پرداخته و الگوهای ترویجی توسعه از سوی غرب را برای جوامع دیگر نابسند می‌داند و معتقدند که حرکت غرب از سنت به صنعت و توسعه اولاً پیوسته و ثانیاً درون‌زا و ثالثاً تاندازه‌ای ناخودآگاه و رابعاً بدون موانع جدی بیرونی بوده است درحالی‌که راه عبور کشورهای متمدن سنتی به سوی صنعتی شدن اولاً گسسته و ثانیاً برون‌زا و ثالثاً تاندازه‌ای آگاهانه بوده است و مهم‌تر از همه راه آن‌ها به سوی صنعتی شدن با موانع درونی و بیرونی، مانع‌گذاری شده است. همچنین ایشان معتقدند «آنچه گریبان توسعه در کشورهایی با اقتصاد بادآورده با فرهنگ و تمدن کهن نظیر ایران را گرفته است، از سویی شیوه تحمیل شده الگوهای توسعه غربی‌ها است و از سوی دیگر شیوه‌ای است که ما برای زندگی در زیرسایه دکل‌های نفت انتخاب کرده‌ایم. این گزینش به اختیار و یا اجبار و یا ترکیبی از هر دو است که ما را از فرهنگ و سنت‌های چند هزارساله که جا پای ما و سکوی پرتاب ما به سوی توسعه بوده است، از فرهنگ و ارزش‌های والا و هنجارهای درست "کار" و فرهنگ تولیدی و اکتشافی و اختراع و آینده‌نگری، دور و به مصرف و روزمرگی و در زمان حال زیستن و پشت برگزیده و در نتیجه پشت به آینده کردن، چنان معتاد نموده، که اگر این بلا بر سر چین و ماچین و هرکجای دیگر جهان می‌آمد بی‌شک به همین درد مبتلا می‌شدند.»

مقاله دیگر از همین نویسنده «کار و زمان در منشور شعر و کار کارستان پروین» (۱۳۹۰) می‌باشد که در آن نویسنده با استفاده از روش اسنادی "کار" و مفاهیم نزدیک به آن را در سروده‌های پروین اعتصامی مورد کاوش و بررسی قرار داده است. این

مطالعه وفور واژگانی کار و ترکیبات آن و توجه به مفاهیم مرتبط با آن و دیگر این که "کار" در منظومه فکری وی به‌عنوان محوری‌ترین مسئله و موضوع بوده است را نمایان ساخته است. وی این کار به هنگام را در زمانه نا به هنگام یعنی در سخت‌ترین شرایط و زمانه کثرت کار و بحران کار چه در سطح جهان و چه در سطح ملی به انجام رسانده است. شرایطی که شعرا و حتی متفکرین وطنی معاصر وی به موضوعات دیگر خود را مشغول کرده بودند و نیز در زمان تسلط جهانی فرهنگ غرب که بر الگوی یونان و روم باستان مبتنا داشت؛ الگویی که برده‌داری در آن شیوه‌ای رایج است و به تبع آن کار خوار و ننگ به حساب می‌آمد.

مطالعه دیگری توسط ایشان با عنوان «حرکت و کار در اندیشه و آیین‌های ایرانی و یونانی - بستگی‌های کار و نظام اجتماعی در فلسفه و ادیان ایرانی - اسلامی و یونانی و یهودی - مسیحیایی» انجام شده است. مؤلف کوشیده از یک سو فرهنگ تولیدی و فرهنگ کار امروز ایران را با دیروز آن در ارزش‌گذاری‌ها و حرمت کار و وجدان کاری و مسائل پیوسته با فرهنگ کار و تولید مقایسه کرده و از سوی دیگر فرهنگ ایرانی - اسلامی را با یک فرهنگ تاریخی موازی و تقریباً هموزن و شاخص که در عین آمیختگی‌ها در طول هزاره‌ها با یکدیگر به دلایل ارتباطات، مبادلات معرفتی، تجارت، جنگ و... در تعارض آشکار بوده‌اند مقایسه کند. این مقایسه از اندیشه‌های فلسفه ایران و غرب و در آیین‌ها و ادیان آن‌ها صورت پذیرفته است.

ابراهیم فیوضات و مجید حسینی نثار در مقاله "بررسی جایگاه کار و کوشش در شعر فارسی" (۱۳۸۳)، به جایگاه کار و کوشش در ادبیات کلاسیک پرداخته‌اند. ایشان معتقدند که کار در فرهنگ و ادب ما به‌ویژه ادبیات منظوم و شعر ایران مورد تحسین و توجه بوده است. در این مقاله که به روش اسنادی انجام‌گرفته جایگاه "کار و تلاش" در اشعار فردوسی، سعدی و مولوی را بررسی نموده‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد که فردوسی به‌عنوان نماینده دوره باستان به نقش کار کشاورزی در عرصه تولیدی کشور توجه می‌کند. سعدی به‌عنوان شاعری جهان‌دیده و مصلحی اجتماعی، کار را به شکل

سخت و سنگین آن مورد توجه قرار می‌دهد و تقدس برای آن قائل است و به آن با دیده احترام می‌نگرد، و کار در دیدگاه مولوی با تحرک و دینامیسم ویژه‌ای همراه است، وی کسب روزی و تلاش و کوشش را حرکت به سمت پروردگار می‌داند.

روش تحقیق

واژه روش در کل به روندها و شیوه‌هایی گفته می‌شود که از طریق آن با مسائل مواجه می‌شویم و برای آن‌ها جوابی می‌یابیم. (محمودی، ۱۶، ۱۳۸۷). روش‌های پژوهش فعالیت‌های عملی پژوهش‌اند: نمونه‌گیری، جمع‌آوری داده‌ها، مدیریت داده‌ها، تحلیل داده‌ها و ارائه گزارش (Carter & Little, 2007: 28). روش تحقیق در این مطالعه، روش تحقیق کیفی است، این روش انجام عملی تحقیق در دنیای واقعی است و بسیار ظریف و عمیق مسائل را مورد شناسایی قرار می‌دهد. با استفاده از این روش می‌توان پیچیدگی مسئله‌های اجتماعی را شناسایی کرد. (مارشال و راسمن، ۱۳۷۷، ۲۱۸). استفاده از روش کیفی در رابطه با موضوع مورد بررسی، کمک می‌کند تا چندوجهی و چندبعدی بودن مسئله و نیز پویایی آن به‌طور دقیق مشخص و تبیین گردد. در این تحقیق از تکنیک مصاحبه از نوع نیمه ساخت‌یافته، برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است، به‌کارگیری این روش این امکان را برای محقق فراهم می‌سازد که از تجرد گرایی تئوریک به دنیای واقعی کشیده شود.

جامعه مورد مطالعه

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش استادان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی در تخصص‌های مرتبط از قبیل جامعه‌شناسی فرهنگی، کار، سیاسی، تاریخ اجتماعی ایران، بررسی مسائل اجتماعی و روان‌شناسی اجتماعی می‌باشند. از آنجاکه اساساً مقوله آسیب‌شناسی به جهت دشواری‌ها و صعوبت امر نیاز به افراد متخصص و حرفه‌ای دارد،

در این پژوهش نیز به جهت نوع نگاه به مسئله، ناگزیر به مراجعه به متخصصان و استادان این حوزه شدیم تا از این رهگذر به پاسخ‌هایی جامع و مانع، نائل آییم. لازم به توضیح است به جهت رعایت اخلاق تحقیق، در نقل قول‌ها اسامی استادان به اختصار، بیان شده است.

حجم نمونه

معمولاً نمونه مورد مطالعه در تحقیقات کیفی کاملاً مشخص و از پیش تعیین شده نمی‌باشد و حجم نمونه به شدت با سطح اشباع‌پذیری ارتباط دارد. به‌هرحال نمونه‌گیری این تحقیق با توجه به تخصص کارشناسانی که در خصوص موضوع پژوهش، دارای مطالعات و پژوهش‌هایی بودند، برگزیده شد. داده‌های این تحقیق بر اساس مصاحبه‌های انجام گرفته با ۱۵ تن از استادان علوم اجتماعی، جمع‌آوری و تحلیل شده است.

سؤالات تحقیق

با توجه به این که تحقیق حاضر یک تحقیق کیفی است و جنبه اکتشافی دارد، نظریات موجود و یا فرضیات خاصی که مستخرج از تئوری‌های موجود باشد و مشتمل بر روابط معینی باشد، اساس کار قرار نگرفته است، بلکه تحقیق با سؤالات مشخصی پیرامون آسیب‌شناسی وضعیت کار در ایران، زمینه‌های کلان و خرد پیدایش مسئله، عوامل خارجی مؤثر در این امر، صورت پذیرفته است. اصلی‌ترین پرسش ما در این پژوهش شناخت زمینه‌ها و ریشه‌های تأثیرگذار در انقطاع و گسست فرهنگی در زمینه کار و تولید در تاریخ معاصر می‌باشد.

محدودیت‌های تحقیق

با توجه به ماهیت کیفی تحقیق و تعداد مصاحبه‌های محدود، محقق به هیچ‌وجه درصدد تعمیم یافته‌ها نمی‌باشد. بی‌تردید تحقیقات کیفی از این نظر که اکتشافی می‌باشند، می‌توانند فرضیات غنی را تولید کنند که اساس کارهای بزرگ‌تری قرار گیرد. نتایج این تحقیق از این جهت که به آسیب‌شناسی تاریخی- اجتماعی وضعیت کار در ایران می‌پردازد، قابل‌توجه و تأمل است. در این تحقیق سعی محقق بر آن بوده تا آسیب‌شناسی را در سطوح خرد و کلان بررسی نماید و نقش عوامل بین‌المللی را در این میان دریابد.

تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

در پژوهش کیفی رابطه متقابلی میان جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها وجود دارد، مطالب ارائه شده در این بخش ماحصل تجزیه و تحلیل مصاحبه با استادان می‌باشد. نتایج بررسی و تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها در این تحقیق نشان می‌دهد با وجود اختلاف در نظرگاه‌های استادان پیرامون مسئله، اما تقریباً تمام کارشناسان، ساختارهای مصرفی را عامل اصلی شکل‌گیری وضعیت موجود تلقی می‌کنند و بر این باورند که ترمیم این ساختارها جهش قابل‌توجهی را در این وضعیت ایجاد خواهد نمود. در مجموع یافته‌ها حاکی از آن‌اند که عواملی چون زیست‌بوم، ترویج و شیوع ارزش‌های نامولد، ساختارهای مصرفی و روابط سلطه؛ از جمله مهم‌ترین دلایل اصلی پیدایش وضعیت رکود و گسست در حوزه کار و تولید می‌باشد، که در ذیل سعی شده است تا یافته‌های حاصل از این تحقیق به صورت طبقه‌بندی شده و به تفصیل، ارائه گردد.

زیست‌بوم

بر اساس تحقیقات انجام شده تفکیک جمعیت به جامعه روستایی و شهری جدای از متغیرهای دیگر مانند جنسیت، تحصیلات و... جهت تبیین مسئله کار حائز اهمیت می‌باشد (ن.ک معیدفر، ۱۳۷۸). توجه و اهمیت موضوع کار و تلاش در میان روستائینان و شهرنشینان کاملاً متفاوت می‌باشد و اختلاف معناداری میان این دو وجود دارد. بدین نحو که توجه و التفات روستائیان به کار و تلاش به علل عدیده‌ای از جمله این که کار به‌عنوان یکی از سنت‌های اجتماعی اصیل در روستا مطرح بوده، به‌صورت یک ارزش درونی شده است. روستائیان کار را مفید و باارزش می‌شمارند و فعالیت در این زمینه را خدمتی به خداوند و خلق می‌دانند و حتی سعی در صرف وقت بیشتر در این زمینه دارند، خاصه اگر درآمد حاصل هم فاصله زیادی با فعالیت‌های اقتصادی دیگر نداشته باشد (طالب، ۱۳۸۷: ۶۶).^۱

در صورتی که زندگی در شهرها به دلیل برخی از ویژگی‌ها؛ از جمله وجود رفاه نسبی، امکان تحرک طبقاتی و امکان زندگی مبتنی بر رانت، شرایطی را به وجود می‌آورد که گرایش به کم‌کاری را موجب می‌شود. همان‌طور که مشاهده می‌شود عوامل مذکور در شهرها دست‌به‌دست هم می‌دهند و شرایطی را ایجاد می‌نمایند که باعث می‌شود علاوه بر تضعیف فرهنگ کار و تولید مولد، در جامعه نگرشی منفی نسبت به تلاش و کوشندگی شکل بگیرد. امروزه در زندگی شهری باهدف قرار گرفتن پول و

۱- البته مهندس بازرگان نظری برخلاف این عقیده دارند ایشان بر این اعتقادند از آنجایی که کار اصلی و عمده ایرانیان زراعت و کشاورزی بوده، این موضوع (پیشه) بر خلیقات روحی و اجتماعی ایرانیان آثار صرفاً زیان‌بار و سوئی داشته؛ آثاری همچون بردباری از نوع منفعلانه آن، شلختگی، وارهایی، تک‌زیستی، سازگاری و... به‌عنوان مثال ایشان معتقدند: «چون ما اهل کار و تلاش نبوده‌ایم و کار منبع درآمد و استفاده چندان واقع نشده است، هیچ‌گاه معتقد به ضرب‌المثل‌هایی همچون «وقت طلاست» نشده‌ایم» یا اینکه در جای دیگر می‌نویسند: «اگر در مملکت ما کار و کوشش این‌قدر توسری‌خور شده است و هر کس تا بتواند شانه از زیر آن خالی می‌کند باید بدانیم ریشه‌اش از کجاست؛ بله زندگی زراعتی خاص ما این پدیده مهم را که در تاریخ ملی و وضع اجتماعی ما نقش بزرگی دارد به وجود آورده است» (ن.ک بازرگان، ۱۳۴۳: ۲۷-۳۹).

رسیدن بدان، آن‌هم بدون تلاش بایسته و شایسته، مفاهیمی همچون تعهد در کار، وجدان کار و اخلاق کار یعنی دلبستگی و علاقه به کار، پشتکار و جدیت در کار، روح جمعی و مشارکت در کار و روابط سالم و انسانی در کار (Petty: 1994, 1993 & Hill: 1992)، اموری بی‌ارزش تلقی می‌شوند. در این وضعیت است که کار دیگر پاداش‌دهنده تلقی نخواهد شد و به سستی خواهد گرایید.

دکتر «س.م»، درباره تفاوت زندگی شهری و روستایی معتقد است: «به نظر من کسی که کماکان در جامعه روستایی ریشه داره و داشته و در آن شرایط اجتماعی شده و شخصیتش با آن ارزش‌ها و با آن فرهنگ کار و تلاش روستایی شکل گرفته، وقتی به شهر هم بیان بازهم همان روحیه کوشندگی را در شهر هم خواهند داشت، من با افرادی که چنین روحیه‌ای را داشته‌اند برخورد داشتم».

همچنین دکتر «ش.ب» در خصوص اثرات شهرنشینی می‌گوید: «زندگی شهرنشینی از یک طرف و عوامل موجود در شهر که متأسفانه می‌توانیم بگوییم که شرایط امکان زندگی مبتنی بر رانت را به وجود آورده است باعث شده است که فرهنگ تلاش و کار در شهر تضعیف بشه».

دکتر «م.ت» در این خصوص معتقد است: «شیوع شغل‌های کاذب مثل ارز فروشی و دلالی و کوپن‌فروشی که بدون کار و تلاش است و حاصلش هم از دستمزد یک کارگر زیادتر می‌باشد، شرایطی را ایجاد می‌کند که شانس بدون کار و تلاش پولدار شدن را در جامعه افزایش می‌دهد در نتیجه در جامعه شاهد افزایش فزاینده گرایش به چنین مشاغل جعلی و بی‌سازمانی می‌باشیم، پیامد چنین وضعیتی این می‌شه که افراد شاغل در مشاغلی که از جایگاه بالای اجتماعی برخوردارن، هم به سمت مشاغل کاذب هدایت می‌شن، مثلاً پزشکی که برج‌سازی می‌کنه و یا به محاسبه نرخ سکه و ارز می‌پردازه. در واقع در این اوضاع و احوال پول بی‌زحمت درآوردن میشه زرنگی و مهم‌ترین هدف».

ترویج ارزش‌های نامولد

شهر زدگی و اشاعه ارزش‌های شهری، چنان جامعه روستایی و روستاییان را مورد هجوم قرار داده که در حوزه‌هایی همچون سبک معماری و حتی مصالح مورد استفاده‌شان برای ساختن را - بدون توجه به ویژگی‌های محیطی اعم از سردی و گرمی و ... - با الگوگیری از شهر (عمدتاً تهران) همراه کرده‌اند و نیز امروزه گسترش تعداد غیر کشاورزان در جامعه روستایی در برخی از مناطق به حدی است که فرهنگ جامعه روستایی را تحت‌الشعاع قرار داده و نوعی روابط و هنجارهای مربوط به جامعه شهری را به روستا برده‌اند و علاوه بر این امروزه تحت تأثیر نظام آموزش و پرورش و اثرات رسانه‌های گروهی برخی از مشاغل روستایی از اعتبار لازم افتاده و این خود لطمه‌ای به وابستگی و دلبستگی به روستا وارد کرده است (طالب، ۱۳۸۷: ۵۸-۶۷).

از آنجایی که نظام آموزشی - به‌عنوان مهم‌ترین رکن جامعه‌پذیری در هر جامعه - در کشور به‌طور سراسری و به شکل استاندارد و یکسان طراحی و اجرا می‌شود باعث گردیده که ارزش‌های یکسانی به تمام دانش‌آموزان القاء گردد که این امر باعث ایجاد تشابه در نظام ارزشی جوامع روستایی و شهری می‌شود. خانواده و آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین نهادهایی که در آن‌ها اجتماعی شدن و توسعه ارزش‌های مرتبط با شغل صورت می‌گیرد، نقشی کلیدی در تولید افرادی دارند که می‌توانند جامعه را برای توسعه درون‌زا آماده کنند (Furnham: 1987 & Cherrington: & Mclelland: 1961). همچنین توجه به نقش مهمی که رسانه‌ها در درونی کردن ارزش‌ها دارند نیز در این باره حائز اهمیت می‌باشد. نکته قابل توجه در اینجا فقدان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌هایی در این دو عرصه حیاتی است تا مقولاتی مانند کار، تلاش و تولید و به‌طور کلی کوشندگی، را در اذهان افراد جامعه حیاتی و درعین حال با ارزش جلوه دهند.

بازتولید فزاینده ارزش‌های به‌اصطلاح نامولد موجب شد تا مردم در مواجهه با تکنولوژی، به آن به‌عنوان عاملی در راستای اهمال‌کاری و درعین حال عامل آسایش و

رفاه بیشتر بنگرند از این روست که تکنولوژی به نوبه خود در ایجاد گرایش به کم‌کاری و بی‌حرکی، اثرگذار بوده است. تکنولوژی مجموعه‌ای از روش‌ها و تجربیات و علوم عملی است که مردم برای تسلط بر محیط و حل مشکلات مربوط به رابطه‌شان با محیط به کار می‌برند. تکنولوژی مناسب آن است که با بنیان‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه‌ای که از آن استفاده می‌کند سازگار باشد؛ تکنولوژی مناسب برای توسعه فرهنگی جامعه چندین مزیت دارد: «۱- هرچه دستاوردهای بشری با نظام اجتماعی جامعه سنخیت بیشتری داشته باشد، این مسئله خود منجر به تقویت تکنولوژی شده و موجب کاهش ازهم‌گسیختگی فرهنگی در جامعه گردیده است. ۲- تناسب تکنولوژی با فرهنگ موجود یک جامعه آسایش مردم منطقه را تضمین می‌کند.» (یونسکو، ۱۳۷۹: ۲۰).

در کنار عوامل یاد شده که از عناصر متأخر زمینه‌های شکل‌گیری مسئله می‌باشند، عاملی تاریخی نیز معمولاً در این مباحث لحاظ می‌شود که ریشه در خلیقات ایرانیان دارد، این عامل با ادبیات متفاوتی همچون وجود مذهب قشری، نگاه قضا و قدری، جبرگرایی و غیره بیان شده است که عامل آن را اغلب حملات مغول‌ها می‌دانند. هجوم مغول که در برخی کتب تاریخی به دوران فترت از آن یاد شده، دوره‌ای است که اثرات فرهنگی- اجتماعی آن بر سکنه این سرزمین در تاریخ ایران مسبوق به سابقه نبوده است، شهرها ویران گردید، کارگاه‌های فراوانی نابود شد و مهاجرت‌های دسته‌جمعی به خارج باب گشت (فیوضات، ۱۳۷۲: ۶۶)، این اثرات در دوران طولانی تربیت‌ها، عادت‌ها، آداب و رسوم اجتماعی معضلات و پیچیدگی‌هایی برجای گذاشت ... و آنچه مسلم است پذیرش قوانین حکام بیگانه، اثراتی در بینش مردم این سرزمین داشت^۱ (فیوضات، ۱۳۷۵: ۳۱). یورش و حرکت مردم در اعتراض به وضعیت اسفناک

۱- باوجود حمله سراسر ویرانگر مغول، اما قدرت و غنای فرهنگ مردمان این سرزمین چنان بود که غازان خان مغول را شیفته خود گردانید و باعلاقه وافر وی به صنعت و دانش، در دوره وی اصلاحات بنیادینی در جهت

بردگی و استثمار گونه‌ای که حکام مغول برایشان به ارمغان آورده بودند، خود را در قالب گرایش‌های تصوف نشان داد، مبارزه‌ای منفی و درعین‌حال منفعلانه و کوشش‌گریز تا تسلاهی بر محنت‌های ایشان باشد. (ن.ک نوذری: ۱۳۹۰؛ زرین‌کوب، ۱۳۹۰: ۳۲ و کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

در نظر استادان عوامل و متغیرهای اجتماعی همچون نحوه جامعه‌پذیری، ارزش‌های اجتماعی القاء شده، کارکردهای پنهان تکنولوژی و عدم وجود فرهنگی مولد، از عواملی می‌باشند که در بعد اجتماعی نقش مهمی را در این میان بازی می‌کنند. دکتر «ع.ک» در مورد کیفیت جامعه‌پذیری نسل امروز می‌گوید: «نسل امروزی جوامع روستایی، تفاوت‌هایی با نسل‌های قبلی شون پیدا کرده‌اند و اونها به وضع جوامع شهری مبتلا شدن که این امر حاصل عواملی همچون؛ اجتماعی شدن به صورتی یکدست از طرق گوناگون من جمله ارزش‌های موجود در خانواده، نظام آموزشی، رسانه و همچنین تسهیل شرایط ارتباطی با سایر نقاط هست.»

دکتر «ب.ز» در خصوص ارزش‌های القائی رسانه‌ها و نظام آموزشی بیان می‌دارد: «متأسفانه نظام آموزشی و نظام رسانه‌های جمعی ما قادر نبودن که ارزش‌های کار را منتقل بکنن، نظام آموزشی ما زیاد، ارزش کار را نتوانسته منتقل بکند و یا روی آن تمرکز نداشته و یا شاید هم برعکس، ارزش‌هایی خلاف ارزش‌های کار را منتقل کرده و در نتیجه چون سیستم آموزشی ما به صورت یکپارچه هست در کل کشور چه در شهرها و چه در روستاها، ارزش و نوع زندگی که القا می‌کرده در سراسر کشور اثرگذار بوده و رسانه‌های جمعی هم

سامان دادن به اوضاع کشور صورت پذیرفت تا حدی که وی برای تشویق مردم به فعالیت‌های کشاورزی، تسهیلات مالیاتی قائل شد و همچنین وی از لحاظ تسهیل کار صنعتگران و بازرگانان خرد و کاهش دشواری وضع ایشان، وصول تمغا را در بسیاری از شهرها لغو کرد و در سایر بلاد نیز میزان تمغا را تا نصف تقلیل داد (راوندی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۴۶۹).

همین طور، رسانه‌های جمعی هم، استانداردهای ملی رو دارند و داشته‌اند بنابراین در این‌ها ارزش کار مورد توجه قرار نگرفته است و نتوانستند اون ارزش‌هایی رو که در نسل‌های قبلی بوده بازتولید کنن مثلاً همین تبلیغات مجلات و تلویزیون رو ببینید این که با خرید فلان کالا به ثروت کلانی می‌رسید یا فلان ماشین خارجی رو برنده میشید یا مثلاً تبلیغات بانک‌ها، همه این‌ها باعث میشن مخاطبین علی‌الخصوص جوانان تحت تأثیر این‌ها قرار بگیرن و به انسان‌هایی متوهم تبدیل بشن و به جای این که واقع‌بینی پیشه کنن و بفهمن که برای رسیدن به خواسته هاشون نیاز دارن که همت به خرج بدن و کار کنن».

دکتر «م.ن» درباره کارکردهای تکنولوژی در ایران می‌گوید: «این که چرا تکنولوژی در جوامع مبدأ باعث این رکود و رخوت در کوشندگی مردمان نشده می‌بایستی به ارزش‌ها و ساختارهای اجتماعی آن‌ها اشاره نماییم؛ مادامی که فرهنگ مصرفی یگانه فرهنگ غالب در هر جامعه‌ای باشه و اصلاً در همه سطوح وقتی به فرهنگ تولیدی گذاشته نشود ما شاهد تداوم این اوضاع و احوال خواهیم بود.»

دکتر «ق.ز» درباره اثرات حمله مغول بر هویت ایرانی معتقد است: «ریشه این خلق‌وخو ناشی از حمله ویرانگر مغول می‌باشد، تأثیر حمله مغول به قدری زیاد بود که همه به اصطلاح دستگاه‌های اندیشه‌ای و عقلی از تفسیر اون ناتوان بودن، به خاطر همین صوفیان و فهم‌های باطنی شون که بخشی از تقدیرگرایی و تسلیم به سرنوشت در آن‌ها وجود داشت، معتبر شدن. برخی محققان این مقطع زمانی رو در بی‌انگیزگی ایرانیان برای کار و تأثیر در فرهنگ کسب‌وکار آن‌ها مؤثر دانسته‌اند.»

همچنین دکتر «م.گ» در این باره می‌گوید: «وجود و تداوم مذهب قشری در میان مردم و نه وجود مذهبی پیشرو در جامعه که ریشه در نگاه‌های قضا و قدری مردمان دارد، یکی از علل زمینه‌ای مهم ایجاد چنین وضعیتی است.»

ساختارهای مصرفی

از اواخر دوره صفویه به بعد بویژه در دوره قاجار^۱ و پهلوی، به جهت پاره‌ای از شرایط از جمله مواجهه و تبادلات گسترده با غرب و به تبع آن واردات و تقلید آمرانه از الگوهای توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی همچون برنامه اصلاحات ارضی، سپاه دانش و همچنین استفاده بی‌ملاحظه از درآمدهای نفتی، تأسیس کارخانه‌های مونتاژ، مهم شدن بخش خدمات، توجه بسیار ویژه به شهرنشینی و... توسط حکومت‌ها، تغییرات بنیادینی در نظام ارزشی افراد جامعه به وجود آمده است و تدریجاً انسان تولیدی ایرانی به انسانی مصرفی و در حین حال رفاه جو بدل شده است.

برنامه اصلاحات ارضی در ایران در اوایل سال ۱۳۴۱ و زیر فشار نیروهای خارجی آغاز شد. مهم‌ترین هدف این برنامه کاهش فقر روستایی و برانگیختن توسعه کشاورزی بود، برای کشوری که در آن کشاورزی تنها یک صنعت نبود بلکه یک واحد اجتماعی - اقتصادی یکپارچه و مستقل به شمار می‌آمد و نیز بیش از ۷۵٪ جمعیتش در روستاها زندگی می‌کردند و برای تأمین معاش خود عمدتاً به کشاورزی متکی بودند (عمید، ۱۳۸۱: ۱۳-۱۷)، اما به دلایلی از جمله دستوری بودن، وارداتی بودن و همچنین عدم توجه به بافت فرهنگی - اجتماعی روستاها، مسبب مشکلات اساسی گردید. در اثر اجرای این طرح، برخی کشاورزان حق کشت و حقا به خود را در مراحل گوناگون اصلاحات ارضی از دست داده و به کارگران بی زمین مبدل شدند (همان: ۱۶۲-۱۷۲).

۱- محمدشاه قاجار در ضمن منشوری دستور می‌دهد که کلیه مردم شمشیرزن لباس واحدی که جامه نظام باشد بر تن بکنند... و به جای کالای خارجی همگی از قدک و شال ساده کرمانی استفاده کنند تا پول ایران به کشمیر و هندوستان نرود... سابق مردم برای جبه و کمر بستن و ار خالق کله مبلغ‌های گراف در بهای آن اسراف و تبذیر می‌کردند و پول از ایران بیرون می‌رفت (به نقل از راوندی: مأخوذ از ناسخ التواریخ، ج ۲، ۹۰) ناگفته نگذاریم که حمایت سلاطین قاجاریه از مصنوعات داخلی پایه و مبنای ملی و اجتماعی و اقتصادی نداشت و بر اساس وطن‌دوستی و حمایت از مصنوعات داخلی نبود و همین‌که اجانب هدیه یا رشوه کلانی می‌دادند، ورود کالای خارجی آزاد می‌شد و کارگاه‌های داخلی تعطیل می‌گردید (راوندی، ۱۳۸۶: ج ۵: ۵۷۴-۵۷۵ و همچنین نک به: بهرن، ۱۳۴۷: ج ۱۳۴۸-۲: ۶۵۷).

اساساً در کشورهای کشاورزی، توسعه سریع شهری بدون پیشرفت‌هایی که باید با آن همراه باشد، مشکلاتی جدی در زمینه توزیع درآمد و مهاجرت از روستا به شهر به وجود می‌آورد (ن.ک فرهادی z: ۱۳۹۰). در سال‌های دهه ۱۳۴۰ همراه با فروپاشی نظام سنتی تولید روستایی بر اثر اصلاحات ارضی و آغاز مهاجرت‌های گسترده به شهرها و نیز گسترش بروکراسی دولتی، به‌شتاب رشد جمعیت شهرها افزوده شد و از آنجایی که شهر نماد مدرنیته و نوگرایی به شمار می‌رفت توجه به شهرها و سرمایه‌گذاری در آن‌ها در کانون برنامه‌های دولت شبه مدرن پهلوی قرار گرفت (ن.ک کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۳۲۲ و ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۴: ۱۹-۲۱).

در دوره پهلوی به جهت تشکیل دولتی متمرکز و به‌تبع آن گسترش بروکراسی دولتی و نیز توجه خاص دولت به بخش خدمات، شرایط نوینی برای ایجاد مشاغل خاص ایجاد شد، مشاغل دفتری که هم به لحاظ نوع کار و هم به جهت دستمزد، آن را برای افراد جامعه به شغلی بسیار دلپذیر بدل نمود. عامل بسیار مؤثرتر در غفلت از بخش کشاورزی و توجه به شهرنشینی و بخش خدمات، استفاده بی‌رویه و بی‌ملاحظه از درآمدهای نفتی بود^۱. درآمدهای نفتی ساختار و مناسبات اجتماعی-اقتصادی را دچار تحولی اساسی کردند. مستقیم‌ترین و مخرب‌ترین نتایج این امر، برای بخش کشاورزی و به‌تبع آن بیکاری نیروی عمده کار حاضر در روستاها بود. همچنین این امر موجبات استقلال اجتماعی-اقتصادی دولت از ابزارهای داخلی تولید، تغییر الگوی مصرف، توجه فزاینده به گسترش سریع خدمات و درنهایت واردات مواد غذایی و محصولات کشاورزی که از تداوم عقب‌ماندگی و محرومیت بخش کشاورزی، حادث شده بود؛

۱- یکی از ویژگی‌های اقتصادهای نفتی وجود بیماری هلندی در این اقتصادها است. افزایش قیمت نفت و افزایش درآمدهای نفتی، ثروت یک کشور را افزایش می‌دهد و این افزایش ثروت موجب تقویت و رشد بخش غیرقابل مبادله اقتصاد و تضعیف بخش قابل مبادله اقتصاد می‌شود، یعنی فعالیت‌هایی از قبیل بخش خدمات و بخش ساختمان که در معرض رقابت بین‌المللی نیستند، رشد می‌کنند؛ اما فعالیت‌هایی مانند بخش صنعت که در بازارهای بین‌المللی در سطح گسترده‌ای مبادله می‌شوند، دچار رکود می‌گردند (Bruno & Sachs: 1982).

فراهم آورد. در واقع عملکرد بسیار ضعیف بخش کشاورزی به‌طور مستقیم ناشی از این بود که تقریباً تمام عواید نفت و وام‌های خارجی در شهرها به مصرف می‌رسید و به‌طور غیرمستقیم ناشی از اجرای اصلاحات ارضی بود که این توجه تنها باعث رونق یافتن صنایع مصرفی و ساختمان‌سازی شده بود (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۱۰۲-۱۴۳). در واقع آنچه در این دوران روی داد نه پیشرفت اجتماعی و اقتصادی بود و نه مدرنیسم، بلکه شبه مدرنیسمی بود که عواید نفت آن را تسریع کرد؛ به همین شکل تغییرات ساختاری اقتصاد نیز نه به علت شهرنشینی که به‌واسطه شهر زدگی بود (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۲۳).

پیامد چنین فقدان سیاست‌گذاری‌های کارشناسانه، درون‌زا و آینده‌نگری، چیزی جز فراهم نمودن چنین فضای نامساعدی برای کار و تلاش و زاینده‌گی و تولیدگری چه در عرصه ساختاری و سخت‌افزاری و چه در عرصه کنش و نرم‌افزاری نیست، در چنین فضای مسمومی هرچند دولت‌ها و نخبگان، به توسعه و پیشرفت می‌اندیشند و در جهت آن برنامه‌ریزی می‌کنند، اما به جهت وجود چنین عرصه و زمینه مسموم و نامساعدی که بر بستر تاریخی-اجتماعی این جامعه سایه افکنده، کار آنان حکایت مشت در باد کوبندگانی بیش نیست.

در نظر استادان ساختارهای کلان موجود در سطوح گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، که بازتولید شده ساختارهای گذشته می‌باشند نقشی بسیار اساسی را در این بین ایفا می‌نمایند. سیاست‌گذاری‌های معیوب و وارداتی در سطوح اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، درآمدهای نفتی و نحوه توزیع آن‌ها؛ مواردی هستند که در ایجاد این آسیب و مسئله نقش‌آفرینی نموده‌اند.

دکتر «م.ج» درباره بی‌توجهی حکام به کار و تلاش مردم می‌گوید: «در طول تاریخ ایران نقاط کم‌عمری وجود دارد که شاهد بی‌توجهی به عرصه کار و تولید از جانب حاکمان می‌باشیم، اما در قرون معاصر به سبب روی دادن برخی وقایع، حکومت‌ها در سیاست‌گذاری‌هاشون خواهان کوشندگی مردمشان نبوده‌اند. به‌عنوان نمونه از دوره صفویه تا قاجار و به این طرف، ما شاهد رخدادی تقریباً نو هستیم و اون چیزی نیست

جز توجه کشورهای استعماری به منابع و اقتصاد ایران، که چه بسا علت اصلی این بی‌توجهی سردمداران به کوشندگی جامعه، الگوهای تجویزی به اصطلاح توسعه‌ای او‌ن‌ها باشد، مانند برنامه اصلاحات ارضی و رشد شهرنشینی.»

دکتر «م.ط» در خصوص طرح سپاه دانش که خود زمانی در آن فعال بوده می‌گوید: «سپاهیان دانش، بهداشت و معلم‌های غیربومی و سایر عوامل فنی و اداری که در روستاها ساکن بودن، به‌عنوان عمده‌ترین عامل در تغییر رفتار و الگوی مصرف تو جامعه روستایی و خصوصاً نزد قشر جوان عمل کردن. زندگی جوان دیپلمه شهری در روستا، نمونه الگوی زندگی شهری رو در روستا به نمایش می‌گذاشت و از آنجا که بین عاداتی مصرفی وی و ارزش مربوط به تحصیل، متصل به منبع قدرت یعنی دولت که بعد از اصلاحات ارضی در روستا به‌عنوان نیرویی قوی‌تر از نیروی مالک مطرح شده بود، ظاهراً اقدامی صورت گرفته بود؛ پس قبل از گسترش روابط شهر و روستا و سیل مهاجرت روستاییان به شهرها، این عوامل بخشی از الگوی زندگی شهری رو از نزدیک به جامعه روستایی عرضه کردند.»

دکتر «م.پ» نیز در خصوص اهمیت عامل نفت در به وجود آوردن این وضعیت می‌گوید: «نحوه استفاده از درآمدهای نفتی بسیار مهم هستش، نه صرف اکتشاف و بهره بردن از نفت. درآمدهای نفتی ایران تا دهه ۵۰ که خیلی زیاد نبود، اما از اوایل دهه ۵۰ به بعد که این درآمدا زیاد می‌شه، خود درآمدهای نفتی عامل نیست بلکه نوع استفاده از درآمدهای نفتی است که این مشکل رو پیش میاره، ما به‌جای این که از درآمدهای نفتی برای سرمایه‌گذاری و رشد زیرساخت‌های اجتماعی استفاده بکنیم بخش مهمی از اون رو صرف مصرف کردیم و این هست که متأسفانه منجر به این معضل شده. همچنان که همون ساختار رو بعد از انقلاب ادامه دادیم؛ فرقی نکرده بعد از انقلاب هم بخش مهمی از درآمد صرف مصرف شده و کماکان هم داره میشه و ما همان سیاست زمان شاه رو داریم ادامه می‌دیم و الا اگر درآمد نفت را خوب ازشان استفاده کنیم کما این که کشورهای دیگه همین کار و کردن، اون‌ها با سیاست‌گذاری‌های صحیح از این

ویژگی در جهت پیشرفت بهره برده‌اند، این مشکلات پیش نمی‌آورد در واقع نوع سیاست‌های مالی ما بوده که این معضل رو برای ما ایجاد کرده».

دکتر «ح.آ» در خصوص گسترش مشاغل خدماتی به‌عنوان یکی از مظاهر مدرنیزاسیون دوره پهلوی بیان می‌دارد: «یکی از عادات بدی که میراث دوره پهلوی بود، سوق دادن عامه مردم به مشاغل دولتی بود. این روحیه یعنی روحیه کارمندی و حقوق‌بگیری، ضد تولید و پیشرفت و توسعه هست. تو این حالت با توجه به مزایایی که شغل کارمندی نسبت به کارگری پیدا کرده بود از جمله امنیت شغلی، زحمت کمتر و تأمین مادام‌العمر معیشت، کارمندی نسبت به سایر مشاغل تو جامعه شرافت پیدا کرده بود. این روحیه بعدها هم موند و الان هم می‌بینیم که وجود داره. در حالی که اساساً وظیفه دولت می‌بایستی زمینه‌سازی برای ایجاد و گسترش مشاغل باشد و نه خود مشاغل.»

روابط سلطه

قدرت‌های غربی در راستای اهداف استعماری خویش اقدام به استثمار کشورهای ضعیف نمودند، شیوه‌های استثمار این قدرت‌ها، از راه‌های گوناگونی از جمله نظامی‌گری در غالب موارد و در پاره‌ای از موارد نفوذ در طبقه حاکمه بود تا از این طریق برنامه‌های خود را به صورت نرم و بدون هیچ‌گونه ایجاد حساسیتی، عملیاتی کنند. از اوایل سده ۱۹ کشورهای استعمارگر روسیه و انگلیس با توجه به شرایط سیاسی - اقتصادی حاکم بر ایران و عقب‌ماندگی اقتصادی آن، از شمال و جنوب و شرق کشور، شروع به دست‌اندازی اراضی و تشدید دخالت در امور اقتصادی و سیاسی ایران از طرق گوناگون من جمله تحمیل قراردادهای سنگین اقتصادی - سیاسی نمودند. تهیه و تأمین مواد اولیه ارزان برای صنایع رو به توسعه در اروپا و فروش مازاد تولیدات این صنایع، دولت‌های استعمارگر روسیه و انگلیس را بر آن داشت تا بازار بسته اقتصاد

ایران را با نابودی صنایع آن به روی خود بگشایند (رزاقی، ۱۳۷۶: ۱۲-۱۳ و امینی و شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۴۴-۱۴۵). البته بافت سنتی و زندگی مذهبی و مخالفت روحانیت، باعث مشکلاتی برای استعمار بود؛ در این رابطه استعمار برنامه‌هایی را طراحی نمود که با تهاجم به ارزش‌های مذهبی و سنت‌ها و فرهنگ ملی و بومی از طرق مستقیم و غیرمستقیم و با کمک تبلیغات و به نام تجددخواهی، عده‌ای از روشنفکران فرنگ‌رفته را جذب زندگی غربی کند و به یاری همین افراد به تحقیر ارزش‌های مورد احترام مردم پردازد (همان: ۶۷). چرا که اروپاییان عقیده داشتند که هرچه می‌کنند نشانه مقام برتر تمدن آنان است. مردم آسیا را می‌کشتند و اموالشان را به غارت می‌بردند؛ در چین برای تحمیل تریاک به مردم می‌جنگیدند، در هند انگشت دختران را می‌بریدند تا نتوانند با بافتن پارچه‌های خود به رواج پارچه‌های انگلیسی لطمه بزنند. استعمارچیان همین که جایی در گوشه‌ای از یک کشور آسیایی به دست می‌آوردند، سعی می‌کردند روحیات مردم آن کشور را نیز مغلوب خود ساخته و حس اعتماد به نفس و امید نجات را از آنان بگیرند (همان: ۱۸۳). در تاریخ ایران آغاز روابط و مبادلات گسترده ایران با غرب تقریباً به اواخر دوره صفویه بازمی‌گردد اما نفوذ گسترده غربی‌ها در زمان قاجار کلید خورد و این نفوذ در دوره پهلوی به اوج خود رسید ولی بعد از انقلاب اسلامی که با شعار استقلال در تمام شئون، به پیروزی رسید، دیگر شاهد این نفوذها در عرصه سیاسی نشدیم اما متأسفانه در عرصه اقتصاد این شعار با اوج‌جاتی روبه‌رو شده است.

استادان برآنند که علاوه بر شرایط و محیط داخلی، یک سری علل خارجی و بیرونی در شکل‌گیری این وضعیت مهم بوده‌اند.

دکتر «م.م» در خصوص تأثیر مهم این عامل می‌گوید: «در نظر من توجه به عامل استعمار و سلطه کشورها به‌عنوان یک عامل بیرونی اجتناب‌ناپذیر است؛ برخلاف کسانی که معتقدند این عامل در مشکلات ما محلی از اعراب ندارد و مدعیان این اثر را به توهم توطئه متهم می‌کنن. تأثیر این عامل در تاریخ اجتماعی ایران به زمان قاجار برمی‌گردد، یعنی زمانی که اروپا برای حاکمان و روشنفکران نماد پیشرفت تلقی می‌شد

و چنین نتیجه می‌گرفتن که هر چه بیشتر غربی شدن مساوی است با پیشرفت، دریغ از این که لحظه‌ای به مسیری که غرب طی کرده بود تا به این نقطه برسد، وقعی نگذاشتن. از سوی دیگر نیز کشورهای اروپایی به جهت برخی مشکلات از جمله اشباع بازار داخلی، بحران‌های اقتصادی و... به فکر تسخیر بازارهای کشورهای آسیایی و آفریقایی افتاده بودن تا از این طریق در مسیر پیشرفت خویش مستحکم‌تر گام بردارند.»

دکتر «و.ح» در خصوص برخی از پیامدهای این موضوع معتقد است: «دخالت و نفوذ قدرت‌های غربی در کشور پیامدهای گسترده‌ای با خود به ارمغان آورد از جمله، غربی کردن فزاینده کشور که در نظر حاکمان اصلی‌ترین الویت کشور قلمداد می‌شد و یکی از تظاهرات چنین امری هم توجه غیرمعارف به گسترش شهر و شهرنشینی بود.»

نتیجه‌گیری

این تحقیق با دو مبنای اساسی اقدام به آسیب‌شناسی وضعیت کار و تولید و یا به تعبیر عامی کوشندگی در ایران کرده است، ابتدا اهمیت و ارزشمند بودن وزن کار و تلاش در بهگشت جوامع بشری و ثانیاً توجه و التفات بی‌بدیل گذشتگان این سرزمین به کار و کوشش بی‌وقفه و ارزش بودن فی‌نفسه آن. با احتساب این مقدمات و همچنین با مشاهده وضعیت رکود پیش‌آمده، ضرورت یک نگاه آسیب‌شناسانه به این وضعیت را احساس کرده و بر آن شدیم تا اسباب و زمینه‌های اجتماعی-تاریخی وضعیت پیش‌آمده در عصر حاضر را با استعانت از نظر استادان علوم اجتماعی، بررسی و تبیین نماییم. یافته‌های این تحقیق حکایت از این می‌کنند که زمینه‌های شکل‌گیری چنین وضعیتی رکودی، هم خصلتی درونی و هم بیرونی دارند. زمینه‌های درونی آن را می‌توان با مقولاتی همچون تأثیر زیست‌بوم در عمل‌کنشگران و ترویج ارزش‌های نامولد - که ناشی از دو عامل معوج و معیوب بودن ارکان اصلی نهادهای ترویج‌دهنده ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در جهت جامعه‌پذیر نمودن افراد جامعه یعنی همان رسانه‌های جمعی و نهاد تعلیم و تربیت است - و عامل دیگر که ریشه در روان‌شناسی

اجتماعی و ریشه‌های خلقی مردمان این خاک دارد یعنی گرایش به تقدیرگرایی و داشتن مذهبی قشری و درنهایت به‌عنوان آخرین و درعین‌حال اساسی‌ترین عامل یا زمینه داخلی درزمینه یابی این مسئله، ساختارهای مصرفی قرار دارند، که وظیفه مهیا نمودن شرایط نرم‌افزاری و سخت‌افزاری هرگونه کنش و سلوک افراد جامعه را بر عهده دارند. اما زمینه‌های بیرونی این مسئله را می‌توانیم زیر مقوله روابط سلطه بگنجانیم، عاملی مهم که با تأثیر گذاشتن در عناصر ساحت درونی به‌خصوص مقوله ساختارهای مصرفی، نقش بی‌بدیل خود را در این میان به نمایش گذاشته است.

نکته‌ای که به نظر می‌رسد در خصوص وضعیت رکود پیش‌آمده در عرصه کار و تولید، باید در نظر گرفت کیفیت خروج از این وضعیت است. با بررسی کیفیت و سیری که جوامع توسعه‌یافته و پیشرفته طی کرده‌اند تا به وضعیت حال نائل آیند، شاهد انسانیت زدایی‌های گسترده و فزاینده از کارگران و یا به تعبیر دقیق‌تر آن، بردگانی هستیم که مجبور شده‌اند تا در شرایط بسیار جانکاه و طاقت‌فرسا کار کنند تا سرمایه‌داران روزبه‌روز فربه‌تر گردند و ابزار سلطه‌شان روزبه‌روز پیشرفته‌تر شود. اما ما، هم به لحاظ آیینی و هم با توجه به پیشینه تاریخی‌مان اعتقاد داریم که برای خروج از این وضعیت رکود و گام نهادن در مسیر توسعه و به‌روزی، طریقی نو باید درانداخت که در آن شأن و منزلت همه موجودات محترم شمرده شده و در آن کار و تولید‌گری برای افراد جامعه نه‌تنها مفرح، بلکه روح‌بخش باشد و نیز کار به خودی خود به‌دوراز هرگونه مزایایی ارزش تلقی گردد. ابزار رسیدن به چنین طریقی، گام برداشتن نخبگان علمی و فنی جامعه در جهت تعریف نمودن عرصه و شرایط نرم‌افزاری و سخت‌افزاری فرهنگ کار و تولید می‌باشد، فرهنگی که هدفش رسیدن به بهگشت روزافزون و ابزارش ارج نهادن به منزلت موجودات اعم از انسان و طبیعت می‌باشد.

ازاین‌رو از هر جامعه‌ای که خواهان توسعه و بهگشت اجتماعی است انتظار می‌رود که در غایت شناسی فرهنگی از کار، تلقی مثبتی نسبت به رخساره‌های چهارگانه کار یعنی بعد اثباتی کار، بعد شخصیتی کار، بعد فرهنگی «معنی» کار و بعد

اجتماعی کار، از خود نشان دهد. انتظار این است که فرهنگ جامعه، فعالیت کاری را ناشی از حرص و آز نداند، بلکه کار را به خودی خود خیر بداند و آن را یک ارزش ماهوی تلقی کند. فرهنگ چنین جامعه‌ای، تخصیص انرژی به کار را نوعی اتلاف انرژی نمی‌داند بلکه برعکس، آن را به‌مثابه وقف انرژی یا نوعی پرهیزکاری و تقوا برمی‌شمارد. به‌علاوه از چنین فرهنگی انتظار می‌رود که ادعا و تکلیف مستور در کار را حق بداند و برای فاعل آن به خودی خود فضیلت اجتماعی قائل شود؛ درنهایت از جامعه‌ای که عزم توسعه و بهگشت دارد، انتظار می‌رود که در یک‌کلام، هدف غایی کار را رستگاری دنیوی و اخروی تعریف کند. (ن.ک چلبی: ۱۴۰).

منابع

- آوری، پیتر. (۱۳۸۹)، *تاریخ ایران دوره افشار زند و قاجار*، ترجمه: مرتضی ثاقب فر، تهران: جامی.
- افشاری، مهرا. (۱۳۸۲)، *فتوت نامه‌ها و رسایل خاکساریه*، (سی رساله)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افراخته، حسن. (۱۳۷۴)، *قرق‌داری و تحولات آن در ساحل جنوبی تالاب انزلی*، ج ۴، گیلان‌نامه، به کوشش م. جکتاجی، رشت.
- امینی، علیرضا و ابوالحسن شیرازی، حبیب اله. (۱۳۸۵)، *تحولات سیاسی اجتماعی ایران از قاجاریه تا رضاشاه*، تهران: قومس.
- ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۸۴)، *ویژگی‌های تاریخی - فرهنگی و تحولات معاصر مدیریت محله شهری در ایران، نامه انسان‌شناسی*، سال چهارم، شماره ۸.
- بارانی، حسین. (۱۳۸۲)، *بررسی مبانی و فرهنگ مرتع‌داری در بین گله‌داران البرز شرقی*، تهران.
- بازرگان، مهدی. (۱۳۴۳)، *سازگاری ایرانی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- بیهقی، حسین‌علی. (۱۳۶۵)، *گاو میش داری در روستای لچه‌گوراب*، ج ۳، مجموعه مقالات سمینار جغرافیایی، مشهد.
- پاپلی یزدی، محمدحسین. (۱۳۷۷)، *مختاباد*. (اوج مشارکت در دامداری سنتی)، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، س ۱۳، ش ۵۱.
- پورکریم، هوشنگ. (۱۳۴۹)، دهکده «سما»، *مجله هنر و مردم*، ش ۹۸.
- چلبی، مسعود. (۱۳۹۰)، *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*، تهران: نی.
- راوندی، مرتضی. (۱۳۸۶)، *تاریخ اجتماعی ایران*، جلد ۳، تهران: نگاه.
- راوندی، مرتضی. (۱۳۸۶)، *تاریخ اجتماعی ایران*، جلد ۵، تهران: نگاه.
- رزاقی، ابراهیم. (۱۳۷۶)، *آشنایی با اقتصاد ایران*، تهران: نی.
- رضا، عنایت آ... و دیگران. (۱۳۵۰)، *آب و فن آبیاری در ایران باستان*، تهران: وزارت آب و برق.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۹۰)، *جستجو در تصوف ایران*، تهران: امیرکبیر.
- سپهری، محمدرضا. (۱۳۷۶)، *مقدمه‌ای بر فرهنگ کار*، تهران: موسسه کار و تأمین اجتماعی.
- سپهر، محمدتقی لسان‌الملک. (۱۳۹۰)، *ناسخ التواریخ دوره قاجار*، ج ۲، تهران: اساطیر.
- صرامی، حسین. (۱۳۸۰)، *فرهنگ کار و آسیب‌شناسی آن*، *مجله فرهنگ اصفهان*، شماره ۱۹.
- صفی‌نژاد، جواد. (۱۳۵۹)، *نظام‌های آبیاری سنتی*، جلد اول، تهران: دانشگاه تهران.
- صفی‌نژاد، جواد. (۱۳۶۸)، *نظام‌های آبیاری سنتی*، جلد دوم، مشهد: آستان قدس.
- عمید، محمدجواد. (۱۳۸۱)، *کشاورزی، فقر و اصلاحات ارضی*، ترجمه: سید رامین امینی نژاد، تهران: نی.

آسیب‌شناسی تاریخی - اجتماعی کار ... ۱۸۹

- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۱)، آدمیگری و یاریگری: واقعیت‌ها، ضرورت‌ها و پیشینه یاریگری، *فصلنامه علوم اجتماعی*، دانشگاه علامه طباطبائی، ش ۱۵-۱۶.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۹)، مشارکت در فرهنگ ایرانی - بررسی بازتابیده یاریگری در زبان و ادب فارسی، *کیهان فرهنگی*، ش ۲۸۲-۲۸۳.
- فرهادی، مرتضی a، (۱۳۹۰)، فروهشتگی ده و کژ بالشی شهر ایرانی، *پژوهش‌های انسان‌شناسی*، سال یک، شماره دوم.
- فرهادی، مرتضی b، (۱۳۹۰)، کار در فتوت نامه‌ها، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۸.
- فرهادی، مرتضی c، (۱۳۹۰)، حرکت و کار در اندیشه و آیین‌های ایرانی و یونانی - بستگی‌های کار و نظام اجتماعی در فلسفه و ادیان ایرانی - اسلامی و یونانی و یهودی - مسیحیایی -، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۵۵.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۹۰)، کار و زمان در منشور شعر و کار کارستان پروین (۱۲۸۵-۱۳۲۰)، *دو فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی*، شماره ۱.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۹۱)، صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن؟ - آسیب‌شناسی روند توسعه پایدار در ایران -، *دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران*، شماره ۱.
- فوراستیه، ژان. (۱۳۵۵)، *اقتصاد کار - یا چرا کار می‌کنیم؟* -، تهران: مروارید.
- فیوضات، ابراهیم. (۱۳۷۲)، *بررسی تحولات نظام استاد- شاگردی در ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- فیوضات، ابراهیم. (۱۳۷۵)، *دولت در عصر پهلوی*، تهران: چاپخش.
- فیوضات، ابراهیم و حسینی نثار، مجید. (۱۳۸۳)، بررسی جایگاه کار و کوشش در شعر فارسی، *پژوهشنامه علوم انسانی*، شماره ۴۲-۴۱.
- کاتوزیان، همایون. (۱۳۹۱)، *ایرانیان - دوران باستان تا دوره معاصر* - ترجمه: حسین شهیدی، تهران: نشر مرکز.

- کاتوزیان، همایون. (۱۳۷۷)، *نه مقاله در جامعه‌شناسی تاریخی نفت و توسعه اقتصادی*، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: مرکز.
- کاتوزیان، همایون. (۱۳۷۲)، *اقتصاد سیاسی ایران - از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، ترجمه: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.
- کاشفی سبزواری، مولانا حسین واعظ. (۱۳۵۰)، *فتوت نامه سلطانی*، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- کرزن، جرج. ن. (۱۳۴۷)، *ایران و مسئله ایران*، مترجم: علی جواهر کلام، تهران: ابن سینا.
- گوبلو، هانری. (۱۳۷۱)، *قنات فنی برای دستیابی به آب*، ترجمه: ابوالحسن سرو مقدم و محمدحسین پاپلی یزدی، مشهد: آستان قدس.
- گولپینازلی، عبدالباقی. (۱۳۷۹)، *فتوت در کشورهای اسلامی و مآخذ آن به همراه فتوت نامه منظوم ناصری*، ترجمه: توفیق سبحانی، تهران: انتشارات روزنه.
- طالب، مهدی. (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی روستایی*، تهران: دانشگاه تهران.
- مارشال، کاترین و راسمن، گرچن ب. (۱۳۷۷)، *روش تحقیق کیفی*، ترجمه: علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- محمدی، بیوک. (۱۳۸۹)، *درآمدی بر روش تحقیق کیفی*، تهران: جامعه‌شناسان.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۴)، *کار در نظام ارزشی اسلام - فرهنگ کار، مجله کار و جامعه*، شماره ۸ و ۹.
- معیدفر، سعید. (۱۳۷۸)، *بررسی میزان اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن در واحدهای تولیدی صنعتی استان تهران*: موسسه کار و تأمین اجتماعی.
- نوذری، عزت آ... (۱۳۹۰)، *تاریخ اجتماعی ایران: از آغاز تا مشروطیت*، تهران: خجسته.

آسیب‌شناسی تاریخی - اجتماعی کار ... ۱۹۱

- یونسکو، (۱۳۷۹)، *راهبردهای عملی توسعه فرهنگی*، ترجمه: محمد فاضلی، تهران: انتشارات تبیان.

- وطن‌خواه، مصطفی. (۱۳۸۰)، *موانع تاریخی توسعه نیافتگی در ایران*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.

- ویتفوگل، کارل آوگوست. (۱۳۹۲)، *استبداد شرقی: بررسی تطبیقی قدرت تام*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: ثالث.

- Bruno, M. & J. Sachs. (1982). *Energy and Resource Allocation: A Dynamic Model of the Dutch Disease*, National Bureau of Economic Research.
- Carter, Stacy M & Little, Miles. (2007). *Justifying Knowledge, Justifying Method, Taking Action: Epistemologies, Methodologies and Methods in Qualitative Research*, Qualitative Health Research, V 17, N 10.
- Cherrington, D. (1980). *The Work Ethic: Working Values and Values that Work*, New York, Amacom.
- De Witte, H.. (1995). *Socialization of Work Ethic Among University Students: Effects of Gender and Educational Level of the their Parents*, Antwerpen, Paper UA Conference. Youth and Work Values.
- Furnham, A. (1987). Predicting Protestant Working Beliefs, *European Journal of Personality*, 1.
- Hill, R.B. (1992). *The Work Ethic as Determined by Occupation, Education, Age, Gender, Work Experience and Empowerment*, PhD Dissertation, The University of Tennessee.
- Mclelland, D.C. (1961). *The Achieving Society*, Princeton: Van Nostrand.

- Petty,G.C. (1993). *Development of the Occupational Work Ethic Inventory*, Paper presented at the 1993 Annual American Vocational Association Meeting,Nashville, Tennessee.
- Petty,G.C & R.B.Hill. (1994). Are Men and Women Different? A Study of the Occupational Work Eethic, *Journal of Vocational Education Research*, 19(1).